



قندیل آفتاب

نقد و بررسی آثار کامران بهرامت سرا

حقیقه سنایی



سرشناسه: زمانی نعمت‌سرا، کامران، ۱۳۴۲
 عنوان و نام پدیدآور: قندیل آفتاب: نقد و شرح پارهای از مشکلات حدیقه سنایی - کامران زمانی نعمت‌سرا
 مشخصات نشر: تهران، بیان دانش، ۱۳۹۳
 مشخصات ظاهری: ۹۰ ص
 شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۵۸۸۲-۱۹-۳
 وضعیت فهرست نویسی: قیفا
 عنوان دیگر: نقد و شرح پارهای از مشکلات حدیقه سنایی
 موضوع: سنایی، مجدودین آدم، ۴۷۳-۵۲۵ ق -- نقد و تفسیر
 موضوع: شعر فارسی -- قرن ع -- تاریخ و نقد
 شناسه الزوده: سنایی، مجدودین آدم، ۴۷۳-۵۲۵ق. حدیقه الحقیقه و شریع‌الطریقه. شرح
 دمبندی کنگره: ۱۳۹۱ ق/۸ PIR۶۹۴۴/۸
 دیوبند: ۱/۲۳ ق ۸
 شماره کتابشناسی ملی: ۳۰۳۲۳۱۶

انتشارات آبیان

قندیل آفتاب

عنوان کتاب: قندیل آفتاب
 پدیدآورنده: کامران زمانی نعمت‌سرا
 ناشر: بیان دانش
 مدیر هنری و طراح روی جلد: ناصر نصیری
 ناظر فنی چاپ: شهریانو جلیلی درخش
 صفحه‌آرا: سیده فاطمه احدی
 نوبت چاپ: اول - ۱۳۹۳
 شمارگان: ۳۰۰۰ نسخه
 چاپ و صحافی: آرمانسا
 شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۵۸۸۲-۱۹-۳
 قیمت: ۵۰۰۰۰ ریال

آدرس: تهران - میدان انقلاب - خیابان ۱۲ فروردین - نبش چهارراه شهلاي ژانداروسى غربى - پلاک ۱۱۶ - واحد ۲
 تلفن: ۶۶۶۱۶۳۵۱ همراه: ۹۱۲۷۰۳۵۱۳۵
 مرکز پخش: میدان انقلاب - خیابان منیری جاوید - کوچه مبین - پخش گفتوس
 تلفن: ۶۶۶۰۸۶۶۰

فهرست

- ۱ سلاطین از زندگی و آثار سنایی
- ۴ آثار سنایی
- ۵ آثار منسوب به سنایی
- ۷ سنان در شعر فارسی
- ۹ درباره سنان حقیقه
- ۱۰ درباره سنان شتاب
- ۱۱ نشانه‌های اختصاری شرح دکتر میری

خلاصه‌ای از زندگی و آثار سنایی

ابوالمجد مجاهد بن آدم سنائی غزنوی، شاعر حکیم و عارف نامی قرن پنجم و اوایل قرن ششم در سال ۴۶۷ هجری قمری، در غزنه متولد شد و در همین شهر به سال ۵۲۹ هجری قمری درگذشت. مزارش در این شهر که بنک در شرق افغانستان قرار دارد، زیارتگاه شیفتگان و دلدادگان اوست. کودکی سنائی در این شهر گذشت و در همین شهر نیز به تحصیل علوم و معارف مختلف رماند. تاجایی که در عرصه‌های مختلف معرفتی - علمی به مقام والایی رسید و بنیادگاه بزرگ در آثار مختلف او کاملاً ملموس و مشهود است.

خاندان سنایی از خاندان‌های اصیل غزنه بودند و پدرش آملی را با بهره از معرفت بود و به احتمال قوی، در تعلیم و تربیت فرزندان رجال شهر، صاحب مقام و اعتبار. سنائی در جوانی، هنگامی که هنوز پدرش زنده بود، به بلخ سفر کرد، تا شاید شغلی و نهایتاً در آمدی برای زندگی نصیب او شود. بعد از این، سنائی سفری دیگر به نواحی دورتر خراسان، از جمله سرخس و نیشابور و هرات کرد و بیشترین اقامت او در سرخس بود. سنائی در این شهر با

محمد بن منصور سرخسی، که از صوفیان و علمای عصر بود و خانقاه مشهوری نیز در سرخس داشت، آشنا شد و مدتی نیز مقیم آن خانقاه بود. معلوم نیست که توجه سنایی به مشرب عرفان و صبغهی عرفانی گرفتن شعر وی تا چه حد متأثر از محیط سرخس و اقامت در این خانقاه بوده است. ظاهراً سال‌ها قبل از سفر به سرخس، وی در شعر عرفانی پایگاه ممتازی بدست آورده بوده است.

یکی از نکات مهم در زندگی سنایی، همراه با افسانه‌های شگفت‌آور شده، مسأله دگرگونی او و در نتیجه تحول شعر اوست و خلاصه‌ی آن براساس تذکره‌ها چنین است:

سنایی مدیحه‌سرا، وقتی که در گذرگن گمائی عبور می‌کرد، متوجه شد که یکی از مجذوبان عصر، که به نام دیوانه‌ی لای «خوار شهرت داشت با ساقی خود می‌گوید پُرکن قدحی را به بنوشم، چشم ابراهیمک غزنوی (پادشاه ممدوح سنایی) بنوشم، ... و باز ساقی را گفتم پُرکن قدحی دیگر تا به کوری چشم سناییک شاعر بنوشم، ... که مرد کوی است، لاف و گرافی چند فراهم آورده و شعر نام نهاده و از روی طمع در دست بر دست نهاده و به پا، در پیش ابلهی دیگر ایستاده و خوش آن می‌گوید... حکیم چون این سخنان بشنید از حال برفت و دل او از مذموم مخلوق بگردید و از دنیا دل سرد شد و پس از آن راه زهد و پارسائی در پیش گرفت و دست از مدح ملوک برداشت. سنایی پس از مدتی اقامت در سرخس و

پس از گردش در هرات و نیشابور در سال‌های پایانی عمر، دوباره به غزنین بازگردید و به جمع‌آوری آن دسته از شعرهای عرفانی و اخلاقی خویش که در قالب مثنوی و در بحر خفیف سروده بود، پرداخت و قصد داشت که منظومه‌ای مرکب از فصول متنوع در باب اخلاق و عرفان به نام «فخری نامه» یا «الاهی نامه» یا «حدیقه الحقیقه» فراهم سازد و آن را تقدیم محضر بهرام‌شاه غزنوی، دشمن صریح خویش کند که این پادشاه سلطانی فرهنگ‌دوست و ادب‌شناس بود و شعر او در حق سنائی فراوان، اما هنوز کار جمع‌آوری و تنظیم ابواب و فصول حدیقه، پایان نرسیده بود، که در شب یکشنبه یازدهم شعبان سال ۵۲۹ در خاموشی غریبه نیکو، در محله‌ی نوآباد غزنین، زندگی را بدرود گفت. آرامگاه سنائی در غزنه، از همان روزگار در گذشت او تا عصر ما، همواره زیارتگاه اهل ذوق و عارف بوده است.

آثار سنایی:

سنایی، علاوه بر دیوان قصاید و غزلیات و رباعیات و مقطعات، که شامل حدود چهارده هزار بیت است، چند اثر منظوم دیگر دارد که عبارتند از:

۱- حدیقه الحقیقه: یا الهی نامه و یا فخری نامه که این اثر به هر سه نام از قدیم شهرت داشته و تردیدی وجود ندارد که این نامها، هر سه مربوط به یک اثر است، همان منظومه ای که امروز بیشتر به نام (حدیقه الحقیقه) شهرت دارد و شرح بسیار بر آن نوشته شده و بارها نیز به طبع رسیده است.

تعداد ابیات این منظومه و نظم فصول و ابواب آن، در نسخه های مختلف بسیار متفاوت است. بعضی حدود پنج هزار بیت تا حدود دوازده هزار بیت.

۲- سیزة العباد الی المعاد: منظومه ای است رمزی و عرفانی که در آن نوعی سفر به عالم روحانیات، به نظم سخن سخت و استوار، بیان شده و یکی از مشهورترین منظومه های عرفانی زبان فارسی است که بارها چاپ و شروحاتی بر آن نوشته شده است.

۳- کارنامه ی بلخ: یا مطایبه نامه، منظومه ی کوتاهی است که در حدود پانصد بیت که سنایی به هنگام اقامت در بلخ آن را سروده و به فرستاده است و در آن به گوشه هایی از زندگی شخصی خود و پدرش و معنی از معاصران خویش پرداخته است.